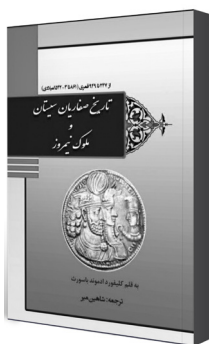




مروری بر تاریخ صفاریان سیستان و ملوک نیمروز در سده‌های سوم تا دهم هجری^۱ علی صفری آق قلعه^۲



10.30484/jii.2026.3355 | alisafari.aq@gmail.com

- استناد: صفری آق قلعه، علی (۱۴۰۵). مروری بر تاریخ صفاریان سیستان و ملوک نیمروز در سده‌های سوم تا دهم هجری. مجله مطالعات ایرانی - اسلامی، ۱۶(۱)، ص ۱۰-۱۳.

۱. نویسنده در این مقاله به بررسی کتاب تاریخ صفاریان سیستان و ملوک نیمروز از ۲۴۷ تا ۹۴۹ قمری (۸۶۱ تا ۱۵۴۲ میلادی) به قلم کلیغورد آدموند باسورث و ترجمه شاهین میر پرداخته است که در ۱۴۰۲ از سوی نشر مبقر (زاهدان) چاپ شده است.

۲. مصحح و پژوهشگر حوزه نسخه‌های خطی.

سیستان از مناطقی است که منابع تاریخی ویژه آن انگشت شمار است و تدوین تاریخ دقیق آن، نیازمند پژوهشی فراگیر بر مبنای متون کهن و پژوهش‌های جدیدتر (مقالات و کتاب‌ها) است. کتاب باسورث یکی از بهترین و کامل‌ترین منابع در این زمینه است.

کلیفورد ادموند باسورث^۳ (۱۹۲۸-۲۰۱۵) از تأثیرگذارترین دانشمندان نیم قرن اخیر در تدوین و تکمیل تاریخ حکومت پادشاهان و سلسله‌های حاکم بر سرزمین‌های اسلامی و همچنین دانشمندی دقیق‌النظر در پژوهش تاریخ و جغرافیای مناطق شرقی ایران است. کار شاخص او سلسله‌های اسلامی^۴ نام دارد که ویرایش دوم آن سلسله‌های اسلامی جدید: راهنمای گاهشماری و تبارشناسی^۵ نام گرفته است، و یکی از بهترین و دقیق‌ترین منابع در این زمینه به شمار می‌آید.

در تدوین آثاری چون سلسله‌های اسلامی جدید، علاوه بر پژوهش و مطالعه در منابعی چون کتاب‌های مسکوک‌شناسی، بررسی متون و منابع کهن ضروری است؛ و چون اطلاعات تاریخی سودمند درباره هر سلسله و پادشاه، به صورت پراکنده و گاه مبهم یا ناقص در متون ثبت شده، رسیدن به نتایج قابل اتکا، نیازمند مطالعه متون متعدد و تدوین آنها در کالبد پژوهش‌های منسجم و سودمند است.

نگاهی به مقالات و پژوهش‌های باسورث نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از آنها با همین رویکرد و به قصد پر کردن خلأها و کاستی‌های منابع معاصر درباره تاریخ برخی مناطق و سلسله‌های حکومتی بوده است. بخشی از این‌گونه پژوهش‌های او که در کالبد کتاب منتشر شده، در سال‌های پیش مورد توجه پژوهشگران تاریخ ایران بوده و خوشبختانه برخی از آنها به زبان فارسی نیز ترجمه و منتشر شده است؛ از جمله تاریخ سیستان: از آمدن تازیان تا برآمدن دولت صفاریان^۶ (باسورث، ۱۳۷۰)، تاریخ غزنویان^۷ (باسورث، ۱۳۷۲)، غزنویان متأخر: عروج و اضمحلال سلاله غزنوی در افغانستان و هند شمالی^۸ (بوسورث، ۱۳۶۷).

3. Clifford Edmund Bosworth.

4. Bosworth, Clifford Edmund, 1967: *The Islamic dynasties, a chronological and genealogical handbook*. Edinburgh University Press.

5. Bosworth, Clifford Edmund, 1996: *The New Islamic dynasties. A chronological and genealogical manual*, Edinburgh University Press.

6. *Sistan under the Arabs, from the Islamic conquest to the rise of the Saffarids 30-250/651-864* (Rome, 1968).

7. *The Ghaznavids, their empire in Afghanistan and Eastern Iran 994, 1040* (Edinburgh, 1963).

8. *The later Ghaznavids, splendour and decay: the dynasty in Afghanistan and northern India 1040, 1186* (Edinburgh, 1977).

از سه اثری که یاد کردیم، دو اثر به دو مقطع از تاریخ غزنویان اختصاص دارد و یک اثر ویژه تاریخ سیستان، از هجوم تازیان تا آغاز دوره صفاری، شامل برآمدن صفاریان است. کتاب اخیرالذکر، تکمله‌ای دارد که به مقطع دوم تاریخ سرزمین سیستان اختصاص یافته و مربوط به یکی از مهم‌ترین ادوار تاریخی ایران و یک نقطه عطف در شکستن تسلط تازیان بر ایران، یعنی برآمدن صفاریان است و رویدادهای آن شامل تاریخ سیاسی آن منطقه تا نیمه سده دهم هجری است. این کتاب، اخیراً با نام تاریخ صفاریان سیستان و ملوک نیمروز از ۲۴۷ تا ۹۴۹ قمری^۹ به زبان فارسی ترجمه شده است. برخی پژوهشگران، یعقوب لیث صفار را جنگجوی عتباری توصیف کرده‌اند که با یاری سپاهیان هم‌مسلكش توانست قدرت را از چنگ نمایندگان دستگاه خلافت عباسی درآورد. آنان کوشش داشته‌اند که یعقوب را نه به عنوان یک قهرمان ملی ایرانی، بلکه صرفاً یک سرکش در برابر دستگاه خلافت جلوه دهند. باین حال، این گروه، آگاهانه یا ناآگاهانه این نکته را نادیده انگاشته‌اند که در آن روزگار، هر گروهی که خون‌ریزتر بود و شمشیرزنان بیشتری داشت بر دیگران چیره می‌شد. حاکمان پیشین نیز همین‌گونه به قدرت رسیده بودند.

پس در داوری این مناسبات، آنچه که باید در نظر گرفته شود این است که هر شخص و گروهی در کدام سوی این میدان قرار دارد، در برابر گروهی که ایران را در سلطه گرفته بودند، یا هم‌سوی و هم‌دست با آنان؟

جایگاه یعقوب لیث در این میان تقریباً روشن است و علی‌رغم همه کوششی که دستگاه خلافت و سلسله‌های دست‌نشانده آنان (به‌ویژه در منابع سامانیان و غزنویان) در نگارش تاریخ صفاریان با روایت مطلوب خود داشته‌اند. دست‌کم در متون تاریخی فارسی و ایرانی. تا جایی که شرایط سیاسی اجازه می‌داده، مورخان او را در جایگاه واقعی خود نشانده‌اند. درباره حکومتگران ادوار بعدی نیز همواره چنین بوده و سیستان به عنوان منطقه هم‌مرز با سلاطین شبه‌قاره، همواره موقعیت همیشه ایرانی خود را نشان داده است. باین حال، چنانکه یاد شده، سیستان از مناطقی است که منابع تاریخی ویژه آن انگشت‌شمار است^{۱۰} و تدوین تاریخ دقیق آن منطقه، نیازمند پژوهشی فراگیر بر مبنای متون کهن و پژوهش‌های جدیدتر (مقالات و کتاب‌ها) است. کتاب باسورث یکی از بهترین و کامل‌ترین منابع در این زمینه است که در سال ۱۹۹۴ منتشر شده و ترجمه فارسی آن با چند دهه فاصله، در سال ۱۴۰۲ منتشر شده است. باتوجه به ساختار کتاب که بعضاً سطر به سطر آن دارای نام‌های تاریخی و جغرافیایی و ارجاعات فراوان به منابع متعدد و به زبان‌های گوناگون است، ترجمه آن به صورت نسبتاً مطلوبی صورت گرفته و مطلبی که مؤلف در نظر داشته، عمدتاً منتقل

۹. اصل انگلیسی با مشخصات زیر چاپ شده است: Bosworth, Clifford Edmund, 1994: *The History of the Saffarids of Sistan and the Maliks of Nimruz (247/861 to 949/1452-3)*, Costa Mesa, Calif. & New York.
۱۰. از جمله: ۱. تاریخ سیستان از ناشناس که بخش کهن آن در میانه ۴۴۸ تا ۴۵۵ ق. نوشته شده و بعدها مطالبی تا سال ۷۲۵ ق. به آن افزوده شده؛ ۲. احیاءالملوک اثر ملک شاه حسین بن ملک غیاث‌الدین محمد بن شاه محمود سیستانی، نگاشته ۱۰۲۷ ق. ۳. منظومه شجرة الملوك. سروده سه سرابنده با تخلص‌های صوری، ناصح و ظهیر که تاریخ سیستان را تا نخستین دهه‌های حکومت سلسله قاجار در بر دارد.

شده و نثر آن نیز روان و به دور از برخی درشتی‌های بازمانده از فرایند ترجمه است؛ بااین حال، جای خالی یک ویرایش دقیق، در آن به خوبی نمایان است. برای نمونه، در بسیاری از موارد، منابع به زبان انگلیسی در پاورقی‌ها ترجمه شده، اما منابعی به زبان‌های دیگر عیناً آورده شده است، یا نام کتاب‌ها عیناً با همان نویسه عادی (بدون ایرانیک یا ایتالیک کردن) آورده شده، و برخی نادرستی‌های دیگر چه در ترجمه متن و چه در منابع^{۱۱} که همگی نیازمند اصلاح هستند. باتوجه به سودمندی‌های کتاب و زحمتی که برای ترجمه آن صرف شده، امیدواریم که ناشر و مترجم به امر ویرایش نیز توجه لازم را مبذول دارند و در چاپ‌های بعدی، معدود مشکلات موجود در کتاب مرتفع شود.

منابع

- باسورث، کلیفورد ادموند (۱۳۷۰). تاریخ سیستان: از آمدن تازیان تا برآمدن دولت صفاریان. ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.^{۱۲}
- باسورث، کلیفورد ادموند (۱۳۷۲). تاریخ غزنویان، ترجمه حسن انوشه، تهران، انتشارات: امیرکبیر.^{۱۳}
- بوسورث، کلیفورد ادموند (۱۳۶۷). غزنویان متأخر: عروج و اضمحلال سلاله غزنوی در افغانستان و هند شمالی (۱۰۴۰-۱۱۸۶ م). ترجمه عبدالوهاب فنایی. کابل: مرکز علوم اجتماعی آکادمی علوم جمهوری افغانستان.^{۱۴}

۱۱. مانند «تاریخ فتوحات تاملن» که باید در ترجمه به جای «تاملن»، «تیمور» آورده می‌شد (ص ۵۸۸)؛ یا علی‌محمد عامری نائینی که به جای «عامری» به شکل «امیری» ضبط شده، یا «تحقیق مع الهند» به جای «تحقیق ماللهند» (ص ۱۵۹)، یا آوردن نام کمال‌الدین عبدالرزاق سمرقندی در کتابنامه (ص ۵۸۷) بدون اشاره به اثر و مشخصات آن.

۱۲. فایل با نام: Tarikh e Sistan-Clifford Edmund Bosworth.

۱۳. فایل با نام: Tarikhe ghaznavian-Anushe.

۱۴. فایل با نام: Ghaznaviyan e Muta'akkhir - Clifford Edmund Bosworth.